



بشون

شماره ۶ بهمن ۱۳۸۵

واژه

شهر یور

این واژه در اوستا خشتر و میر به **Xsatra Vairya** بدست آورد شهر یور یکی از امشاسپندان هفتگانه در بهلوی خشتر یور **Khashatrivar** و در فارسی شهر یور میباشد که مشتق از دو جز است جز اول خشتر بمعنی پادشاهی-سلطنت و کشور است که در فرس باستان خشایتی **Khshayatiya** میباشد واژه ایران شهر بمعنی کشور ایران و شهر بانی یعنی حافظ و نگهبان شهر و شهر یار نیز از همین اصل خشتر میباشد جز دوم و میر به **Vairya** از ریشه و آمو است بمعنی انتخاب کردن میل و آرزو نمودن مطلوب واقع شدن بنا بر این خشتر و میر به باشهر یور یعنی «سلطنت مطلوب» و «کشور آرزو شده»

در گاتهایسنای ۴ فقرات ۶ و ۷ و ۹ از شهر یور یکی از صفات معنوی و بخشایش اهورامزدا آرداده گردیده است که به نیکوکاران و کسانی که صفات و هومن و اشاوار میتی (نیک اندیشی و راستی و عشق و محبت بهم نوع) متصف باشد اعطا میگردد. واژه شهر یور در گاتها معنی کشور جاودانی و سلطنت آسمانی یا بهشت را می بخشد بنا به بسنای ۳۱ فقره ۶ کشور آسمانی اهورامزدا فقط بوسیله ضمیر بآک میتوان

شماره شده است
چهارمین روز هر ماه و ششمین ماه سال بنام فرشته شهر یور معروف است جشن هائیکه در این ماه برگزار میشود عبارتند از جشن شهر یورگان که بنام آذر جشن نیز معروف است در روز شهر یور و شهر یور ماه بمناسبت هم نام بودن روز و ماه گرفته میشود دیگر جشن فصلی موسوم بکهنبار بیته شهیم **Paitishahim** که در روز ۲۶ ماه شهر یور

بر گزار میگردد و تا هر روز ادامه دارد (یعنی از روز اشقاد تا انارام)

گهنبار پشته شهیم چنانکه از خودواژه پیداست یعنی فصل دانه آور و از آن وقتی اراده شده است که گندم رسیده و خرمن بدست میاید در زمان باستان جشن های فصلی یا گهنبارها بطرز باشکوهی برگزار میشده توانگران از بینوایان و بیچارگان دستگیری میکردند و با آنها نان و طعام می بخشیدند در یزد هنوز این سنت کهن مراعات شده هنگام گهنبار زن و مرد بیرون جوان در منزلیکه جشن برگزار میشود گرد آمده

بعد از انجام مراسم مذهبی آجیل و میوه های خشک که به «لورک» معروف است بین حاضرین تقسیم میگردد (در بعضی منازل اضافه بر لورک بهر کدام از حاضرین کرده نانی نیز که در اینجور مواقع قبلا تهیه شده داده میشود) ولی در تهران فقط انجام مراسم مذهبی بطور مختصر در معبد بعمل آمده جشن گهنبار خوانی برگزار میگردد (راجع بگهنبار در شماره های آتیه بطور تفصیل بحث خواهیم کرد).

ف. آذر ششپ

گفتار بزرگان

دشمن چون از همه جیلتی باز ماند سلسله دوستی بچیناند، آنگاه بدوستی کارها کند که دشمن نتواند کرد.

عاقلی را بر سید بد که نیکبخت کیست و بد بخت که ؟ گفت نیکبخت آنکه خورد و کشت و بد بخت آنکه مرد و هشت.

هر که بادا ناتر از خود مجادله کند تا بداند که داناست بدانند که نادانست.

اگر شبها همه قدر بودی ؛ شب قدر بقدر بودی

سخن راست گوی و دروغگو مباش و خوبشتن بر است گفتن معروف کن تا اگر ضرورت دروغی از تو

بشنوند بپذیرند و هر چه گوئی راست گوی و لیک راست بدروغ ماننده مگوی که دروغ بر است ماننده به که راست بدروغ ماننده

«قا بوس بن و شهگیر»

ایله ترین خلق کسی بود که در حق دوست خود بادشمن تدبیر کند.

بنده آنی که در بند آنی.

طمع از کار بیرون باید کرد، اگر خواهی که عمل بر تو سبک گردد در عمل بی طمع باید بود.

خدایت آزاد آفرید آزاد باش

«ای سعید ای الخیر»

بر آن باش که جز با خداوندان دانش بسربری، و عمر گرامی را در کارهای باطل و کردارهای بی حاصل صرف نکنی.

در اقدام بکارها پس از ملاحظه صلاح و فساد آن درنگ مکن و کار امروز را به فردا مگذار.

در نزد مردان مردن به که زندگی کردن ببتک.

امیر نظام گروسی

انام برد مانند داستان کرکاسب و زریاب و جام و زال
 و رستم و فرامرز و سهراب و برزو و شهریار و سیاو
 کشب و جهانگیر که برخی از آنها بسیار متصل بود
 بلاد استان فرامرز بنا بر آنچه از تاریخ سیستان (ص ۷۰)
 زنی بد در دروازه معتد بوده است و داستان رستم با
 فرامرزم که بدست آزاد سروی اذرا و اوان

از میان شاهنامه های کشور فارسی به شاهنامه
 شهرت واقعیت بسیار داشت و آن شاهنامه ایست که
 ابوالمؤید بلخی شاعر و نویسنده مشهور ایران
 در اوایل قرن چهارم هجری نگاشته بود این شاهنامه
 نام شاهنامه مؤیدی یا شاهنامه ابوالمؤید یا شاهنامه
 شهرت و کتاب عطی بوده است در تاریخ
 و داستان های ایران قدیم مثل بر بسیاری از روایات و

شهر یور



شهر یور است و گیتی از عدل شهر یار
 شادست خیز و مایه شادی بر من آر
 باده شناس مایه شادی و خرمی
 بی باده هیچ جان نشد از مایه شاد خوار
 ای کامکار بردل من خیز و باده ده
 بر یاد دولت ملک و شاه کامگار
 شهر یور است و گردون کافور بار شد
 بستان زدوست باده مشکین خوشگوار
 در نو بهار ملک قدح گیر و باده نوش
 کز ملک تو خزان جهان گشت نو بهار



« معود نور سلمان »

تلاش می یابد و به این جهت در این کتاب به تفصیل به شرح و تفسیر این داستان پرداخته شده است و در این کتاب به شرح و تفسیر این داستان پرداخته شده است و در این کتاب به شرح و تفسیر این داستان پرداخته شده است